



## مطالعه‌ی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هسته‌ای در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه

صالح رضایی پیش‌رباط\*<sup>۱</sup>، زینب عصمتی<sup>۲</sup>

۱. پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی ایران، صندوق پستی: ۱۳۳۹-۱۴۱۵۵، تهران-ایران  
۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، صندوق پستی: ۳۱۴۹۹۶۸۱۱۱، کرج-ایران

**چکیده:** هدف اصلی این پژوهش، مطالعه‌ی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هسته‌ای در نظام‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه است. در این پژوهش که از روش توصیفی استفاده شده است، شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای (اعم از اسناد و کتب) است، به این معنا که اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از کتب، مقالات و اسناد موجود در کتابخانه‌ها و سایت‌های معتبر و منابع خارجی گردآوری و سپس اطلاعات به روش توصیفی - تحلیلی پردازش و تحلیل شده است. نتایج حاصل از این پژوهش تطبیقی نشان‌دهنده‌ی آن است که گرچه نظام‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه، متضمن قواعد و قوانین مشترک و متعددی در زمینه‌های مختلف هستند، با وجود این، اصول و ساز و کارهای جبران خسارات هسته‌ای بسیار متفاوتی دارند، به طوری که در زمینه‌ی خسارات هسته‌ای، قانون‌گذار فرانسه با تأثیر از مقررات کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس، راجع به مسئولیت هسته‌ای شخص ثالث و اصلاحات بعدی آن، رژیم حقوقی خاصی را برای جبران چنین خساراتی وضع کرده است؛ ولی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، جبران این خسارات، تابع قوانین عمومی مسئولیت مدنی است که قطعاً نمی‌تواند ساز و کار حقوقی مناسبی برای جبران خسارات هسته‌ای محسوب شود. هم‌چنین نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که جبران خسارات هسته‌ای با قواعد عمومی مسئولیت مدنی ممکن نیست و وضع قانون خاص در این زمینه لازم و اجتناب‌ناپذیر است، از این رو چشم‌انداز فعالیت‌های هسته‌ای کشور، لزوم رفع چنین خلأ قانونی را از سوی قانون‌گذار برای فراهم‌سازی بسترهای قانونی لازم به منظور استفاده‌ی ایمن از کاربردهای صلح آمیز علوم و فنون هسته‌ای را یادآور می‌شود تا با مد نظر قرار دادن تجارب ارزشمند سایر کشورها از جمله کشور فرانسه، تدوین و تصویب قانون خاص در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای را در دستور کار خود قرار دهد.

**کلید واژه‌ها:** جبران خسارت هسته‌ای، مسئولیت مدنی، نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، نظام حقوقی فرانسه، کنوانسیون پاریس

## The Comparative Study of Civil Liability Arising Out of Nuclear Damages in Iran and France Legal Systems

S. R. Pishrobat\*<sup>1</sup>, Z. Esmati<sup>2</sup>

1. Nuclear Science and Technology Research Institute, AEOI, P.O. Box: 11365-3486, Tehran-Iran

2. Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, Islamic Azad University, Karaj Branch, P.O. Box: 3149968111, Karaj-Iran

**Abstract:** Although Legal systems of Iran and France Contain several Common Rules and Laws in Different fields, but in the case of civil liability and compensation of damages arising out of nuclear activities there are serious differences between Legal systems of these two countries. while French Legislator, by taken into account 1960 Paris convention, passed a special law for compensation of nuclear damages in Iran legal system compensation of these damages still governing by general laws and rules of civil liability which certainly is not regarded as an appropriate legal means and mechanism for nuclear damage compensation. The study of experiences of different nuclear countries practices, including france, prove that general rules of civil liability are not proper mechanism for compensation of nuclear damages, thus, given the country nuclear perspective passing a special law for compensation nuclear damages seems needed and inevitable.

**Keywords:** Nuclear Damage Compensation, Civil Liability, Nuclear Instalation Operator, Legal System of Iran, Legal System of France, Paris convention on Nuclear Third Party Liability



## ۱. مقدمه

بروز خسارات احتمالی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای، از جمله خطرات و تهدیدات کاربردهای علوم و فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز به شمار می‌آید. وجود چنین خطرات احتمالی، گروهی از دانشمندان و طرفداران محیط زیست و سلامت انسان‌ها موسوم به گروه‌های ضد هسته‌ای و حامیان صلح سبز را بر آن داشت که به مخالفت با اصل فناوری هسته‌ای و کاربردهای آن بپردازند [۱]. این گروه‌ها، راه‌هایی انسان‌از این تهدیدات و خطرات را در گرو اعراض از کل صنعت هسته‌ای دانسته‌اند. با وجود این، کاربردهای مثبت و صلح‌جویانه‌ی فناوری هسته‌ای در زمینه‌های مختلفی هم‌چون پزشکی، کشاورزی، صنعت و تولید انرژی، نهایتاً مانع از آن شد که دولت‌ها و جامعه‌ی بین‌المللی کنار گذاشتن کل انرژی و صنعت هسته‌ای را راهکار منطقی و مناسب برای رهایی از خطرات آن قلمداد کنند. دانشمندان و دولتمردان پس از بحث و بررسی‌های فراوان، نهایتاً به این نتیجه رسیدند که راهکار رفع یا کاهش خطرات فعالیت‌های هسته‌ای، نه در کنار گذاشتن و حذف صنعت هسته‌ای (پاک کردن صورت مسئله) بلکه ابتکار و اجرایی کردن ساز و کارهای خاصی است که احتمال بروز زیان‌های هسته‌ای را به حداقل ممکن رساند و در صورت بروز خسارات به هر علتی، جبران آن را تسهیل و تسریع کند. متعاقب این تحول، اسناد خاصی در سطح بین‌المللی، منعقد و قانون‌گذاری‌هایی در سطح ملی، مبنی بر وضع یا تصویب قوانین و مقررات خاص در زمینه‌ی مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای شروع شد. قانون‌گذار فرانسه، از جمله قانون‌گذاران کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای بودند که در سال ۱۹۶۸ و با تصویب قانون شماره‌ی ۹۴۳-۶۸ مورخ ۳۰ اکتبر ۱۹۶۸ در زمینه‌ی مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای، اصلاحی ۱۶ ژوئن ۱۹۹۰ و تصویب کنوانسیون‌های پاریس ۱۹۶۰ و بروکسل ۱۹۶۳ در زمینه‌ی مسئولیت شخص ثالث در خصوص انرژی هسته‌ای از قوانین عمومی مسئولیت مدنی تخطی، و رژیم حقوقی خاصی

برای مسئولیت و جبران خسارات هسته‌ای تصویب و اجرایی کردند [۲]. ماهیت خاص خسارات هسته‌ای، لحاظ هم‌زمان منافع زیان‌دیدگان احتمالی حوادث هسته‌ای و سرمایه‌گذاران و فعالان در عرصه‌ی صنعت هسته‌ای از جمله علل اصلی و مهم تصویب قوانین خاص برای جبران خسارات هسته‌ای در کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای نظیر فرانسه بوده است [۳]. جمهوری اسلامی ایران، با وجود این که تقریباً از همان ابتدا، بهره‌برداری از علم و صنعت هسته‌ای را در دستور کار خود قرار داد و ساختارهایی را برای این منظور ایجاد کرد، اما قانون خاصی را برای جبران خسارات احتمالی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای مقرر نکرد و سرانجام جبران چنین خساراتی، هم‌چنان مشمول قوانین و قواعد عمومی مسئولیت مدنی باقی ماند. از این رو سؤال اصلی این پژوهش چنین مطرح می‌شود که مبانی، اصول و ساز و کارهای جبران خسارات هسته‌ای در نظام حقوقی فرانسه با اصول، مبانی و ساز و کارهای جبران چنین خساراتی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران چه مشترکات و تفاوت‌هایی دارد؟

بررسی و ارزیابی پاسخ سؤال فوق، ضمن این که جایگاه نظام حقوقی کشورمان را در خصوص مسئولیت مدنی و جبران خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای روشن می‌کند، می‌تواند در روشن‌سازی میزان مطابقت و هم‌سویی آن با قوانین خاص کشور فرانسه، که نظام حقوقی آن به نسبت سازگاری و سنخیت بیش‌تری با نظام حقوقی کشور ایران دارد مؤثر واقع شود و قانون‌گذار ایران را در تدوین قوانین خاص در زمینه‌ی مسئولیت مدنی هسته‌ای، یاری کند که ضرورت آن با توجه به حجم و افق فعالیت‌های هسته‌ای کشور احساس می‌شود.

## ۲. مبانی مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای

در خصوص مبانی مسئولیت مدنی نظریات مختلفی ارائه شده است که عمده‌ی آن‌ها دو نظریه‌ی «خطا و خطر» است [۳]. بر اساس «نظریه‌ی خطا یا تقصیر»، فعل واردکننده‌ی زیان در صورتی موجد مسئولیت مدنی است که وارد کننده‌ی آن



است که هدف آن اساساً تسهیل جبران خسارات وارده به زیان‌دیده یا زیان‌دیدگان است. اما همان‌طور که کنوانسیون مذکور تصریح کرده است، منظور از مسئولیت بدون تقصیر<sup>(۴)</sup> مسئولیت مطلق نیست، زیرا گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای در مواردی که حوادث هسته‌ای مستقیماً از جنگ‌های داخلی و بین‌المللی، تخاصمات یا شورش‌ها و حوادث طبیعی بزرگ با ماهیت غیر مترقبه ناشی شده باشد، مسئولیتی نخواهد داشت [۶].

البته معافیت بهره‌بردار از مسئولیت چنین مواردی در صورتی است که قانون دولت، محل تأسیسات خلاف آن را مقرر نکرده باشد. در این زمینه، قانون‌گذار فرانسه، تاکنون (۲۰۱۴) مقررات مخالفی وضع نکرده است، بنابراین در قانون فعلی فرانسه در چنین مواردی بهره‌بردار فعالیت یا تأسیسات هسته‌ای از مسئولیت معاف است.

نظریه‌ی خطر در قانون ۱۲ نوامبر ۱۹۶۵ (اصلاحی ۲۹ نوامبر ۱۹۶۸) راجع به مسئولیت شخص ثالث در خصوص گردانندگان کشتی‌های هسته‌ای (کشتی‌های حرکت‌کننده با راکتور و سوخت هسته‌ای) نیز پذیرفته شده است. ماده‌ی ۱ این قانون صراحتاً گرداننده‌ی کشتی هسته‌ای را در قبال زیان‌های ناشی از حوادث در کشتی‌ها مسئول دانسته است، بدون این که اثبات تقصیر او را لازم بداند [۷].

اما همان‌طور که اشاره شد، قانون‌گذار در جمهوری اسلامی ایران، قانون خاصی در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هسته‌ای وضع نکرده، و به هیچ یک از کنوانسیون‌های ذیربط در این زمینه (کنوانسیون‌های وین<sup>(۵)</sup> ۱۹۶۳ و پروتکل اصلاحی<sup>(۶)</sup> ۱۹۹۷ آن) ملحق نشده است تا بر اساس ماده‌ی ۹ قانون مدنی حکم قانون ملی در این زمینه را داشته، و حاکم بر موضوع باشد. در خصوص مبانی مسئولیت در حقوق فعلی جمهوری اسلامی ایران، مشهور حقوق‌دانان بر این اعتقادند که مبانی مسئولیت عموماً مبتنی بر تقصیر (تأثیر از نظریه‌ی خطا) است و ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مؤید آن است. با وجود این، در برخی

مرتکب خطا شده باشد و ممکن است عمدی یا غیر عمدی باشد. اعمال این نظریه، منجر به این می‌شود که زیان‌دیده برای این که بتواند جبران خسارت خود را از کسی بخواهد باید ثابت کند که تقصیر شخص اخیر سبب ورود خسارت بوده است. بنابراین در اثبات تقصیر، زیان‌دیده نقش «مدعی» را دارد که باید دلایل اثبات ادعای خود را بیاورد. در مقابل این نظریه، «نظریه‌ی خطر» مطرح شده است که اعتقاد دارد داشتن تقصیر جزء ارکان مسئولیت مدنی نیست و صرف وجود رابطه‌ی علیت یا سببیت<sup>(۱)</sup> میان عمل فاعل و ضرر و زیان برای احراز حق زیان‌دیده برای جبران خسارات کافی است [۴] نظریه‌ی خطر در فرانسه تحت عنوان *Theorie de risqe* و در حقوق انگلستان تحت عنوان *Strict liability* ملاحظه و بحث شده است.

قانون‌گذار فرانسه در حوزه‌ی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هسته‌ای از نظریه‌ی خطر یا مسئولیت بدون تقصیر تأثیر پذیرفته است. قانون ۳۰ اکتبر ۱۹۶۸ فرانسه، اصلاحی ۱۹۹۰، راجع به مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای، مبانی مسئولیت مدنی در ورود زیان را مبنای مقرر شده در کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس در خصوص مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای<sup>(۲)</sup> مقرر کرده است. این کنوانسیون که در ۹ مارس سال ۱۹۶۶ به تصویب پارلمان فرانسه رسیده است و بر اساس قانون اساسی این کشور بخشی از حقوق ملی آن محسوب می‌شود [۵] اعلام کرده است که به موجب آن (بند الف ماده‌ی ۳) گرداننده‌ی تأسیسات یا فعالیت هسته‌ای به محض اثبات این که خسارات وارد شده ناشی از حادثه‌ی هسته‌ای از تأسیسات هسته‌ای تحت اختیار و کنترل او ناشی شده باشد، در قبال زیان‌دیده مسئول خواهد بود. به طوری که پیداست، کنوانسیون پاریس صرف اثبات رابطه‌ی سببیت بین خسارت و فعالیت یا تأسیسات هسته‌ای زیان‌زننده را برای تحقق مسئولیت گرداننده<sup>(۳)</sup>، کافی قلمداد کرده و اثبات تقصیر زیان‌زننده را لازم ندانسته است. آن‌گونه که تاکنون نیز بیان شد چنین مسئولیتی مبتنی بر نظریه‌ی خطر



وارد شده به زیان‌دیدگان حادثه‌ی هسته‌ای را با محدودیت‌ها و اشکالاتی مواجه کند.

برای تسهیل و تسریع جبران زیان‌دیدگان، قانون ۱۹۶۸ فرانسه و کنوانسیون پاریس قاعده‌ی عام را کنار گذاشته، و مسئولیت جبران خسارات هسته‌ای را صرفاً متوجه گرداننده<sup>(۷)</sup> تأسیسات هسته‌ای کرده‌اند [۹]. به موجب این قاعده‌ی خاص که به اصل کانالیزه کردن مسئولیت نیز مشهور است [۱۰]، زیان‌دیده از مراجعه به مسبب یا مسببان حادثه‌ی موجب زیان، بی‌نیاز می‌شود و برای دریافت غرامت خود صرفاً به گرداننده یا بهره‌بردار تأسیسات یا فعالیت هسته‌ای رجوع، و علیه او دعوی خسارت اقامه می‌کند. بر اساس قانون فرانسه، (ماده‌ی ۱۴ قانون ۱۹۶۸) و کنوانسیون پاریس (ماده‌ی ۶) بهره‌بردار یا بیمه‌گر پس از جبران، حق رجوع به مسبب یا مسببان واقعی را خواهد داشت.

اما وضعیت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران متفاوت است و نظر به فقدان قانون خاص راجع به جبران خسارات هسته‌ای، اصل کانالیزه کردن مسئولیت به بهره‌بردار یا گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای و رجوع انحصاری زیان‌دیده به او امکان ندارد و مسئولیت واردکننده‌ی زیان بر اساس قواعد عام مسئولیت مدنی مشخص می‌شود. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، زیان دیده‌ی حادثه‌ی هسته‌ای باید علیه مسبب یا مسببان خسارت وارد شده اقامه دعوی کند و نمی‌تواند برای دریافت غرامات به بهره‌بردار رجوع کند. که در ورود خسارت تقصیری نداشته است.<sup>(۸)</sup> رجوع به بهره‌بردار یا گرداننده در صورتی قابل توجیه است که او مسبب ورود خسارت بوده یا در ورود خسارت تقصیر داشته باشد. قوانین فعلی جمهوری اسلامی ایران راجع به مسئولیت مدنی، نهادی تحت عنوان کانالیزه شدن مسئولیت به گرداننده یا بهره‌بردار را پیش‌بینی نکرده است. اما سؤالی که می‌تواند در این خصوص مطرح شود این است که آیا قانون‌گذار در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در حوزه‌ی خسارات هسته‌ای، اصل کانالیزه کردن مسئولیت به بهره‌بردار یا گرداننده تأسیسات و

قوانین به صورت موردی از قبیل مواد ۳۲۸ تا ۳۳۰ قانون مدنی و قانون بیمه‌ی اجباری وسایل نقلیه‌ی زمینی موتوری، مصوب ۱۳۸۷، قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران از «نظریه‌ی خطر» تأثیر پذیرفته، و احراز تقصیر را شرط تحقق مسئولیت مدنی قلمداد کرده است [۸]. نظر به وضعیت فوق، به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی حقوق جمهوری اسلامی ایران، مبانی مسئولیت در خصوص خسارات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای، اصولاً مبتنی بر قاعده‌ی تقصیر است و صرفاً در مواردی که موضوع اتلاف اموال در نتیجه‌ی حادثه‌ی هسته‌ای مطرح می‌شود می‌توان به استناد مواد فوق‌الذکر قانون مدنی، مسئولیت بدون تقصیر بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را مطرح کرد که حادثه از آن ناشی شده است و دعوی پرداخت غرامت برای مال یا اموال تلف شده را خواستار شد. در نهایت این سؤال مطرح می‌شود که آیا قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در حوزه‌ی خسارات ناشی از فعالیت‌ها یا حوادث هسته‌ای، نظریه‌ی مسئولیت بدون تقصیر را بپذیرد؟ باید گفت که پذیرش چنین مسئولیتی با اقتضائات نظم حقوقی کلی کشور در تعارض و تغایر نیست و رویه‌ی قانون‌گذاری و پذیرش نظریه‌ی مسئولیت بدون تقصیر در برخی موارد، مؤید این ادعاست.

### ۳. مسئول جبران

در صورت بروز حادثه‌ی منجر به ورود خسارات هسته‌ای، چه کسی مسئول جبران خسارات وارد شده به زیان‌دیدگان خواهد بود؟ در این زمینه قاعده‌ی عام مسئولیت مدنی این است که هر شخص یا اشخاصی که موجب بروز حادثه و ورود خسارت شده‌اند، ملزم به جبران خسارات زیان‌دیده‌اند. اعمال این قاعده در حوزه‌ی جبران خسارات هسته‌ای می‌تواند مسئولیت اشخاص متعددی از قبیل سازنده‌ی مراکز هسته‌ای، سازندگان تجهیزات مراکز هسته‌ای و مالکان و گردانندگان تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای در قبال خسارات وارد شده به زیان‌دیدگان را مطرح و فرایند دادرسی را طولانی و جبران زیان‌های



ایران در تعارض بوده و یا با نظم عمومی کشور مغایرت داشته باشد.

#### ۴. مفهوم ضرر هسته‌ای و مصادیق آن

قانون‌گذار فرانسه همان مفهومی را پذیرفته است که کنوانسیون پاریس از «ضرر هسته‌ای»<sup>(۹)</sup> ارائه کرده است. ضرر هسته‌ای در این کنوانسیون متضمن مفهوم و ویژگی‌های خاصی است و با مفهوم ضرر به مفهوم کلی متفاوت است. بر اساس کنوانسیون، ضرر هسته‌ای مستلزم وجود یک واقعه‌ی هسته‌ای<sup>(۱۰)</sup> است و به عبارت دیگر لازمی به وجود آمدن خسارت هسته‌ای، وقوع یک واقعه‌ی هسته‌ای است و ضرری که متضمن واقعه‌ی هسته‌ای نباشد، ضرر هسته‌ای به مفهوم کنوانسیون و قانون‌گذار فرانسه نخواهد بود. از این رو، برای این که مفهوم ضرر هسته‌ای بیش‌تر روشن شود، لازم است تعریف ارائه شده از (واقعه‌ی هسته‌ای) در این قسمت توضیح داده شود. مطابق کنوانسیون پاریس «واقعه‌ی هسته‌ای به هر نوع رخداد یا سلسله رخدادها با یک منشأ اطلاق می‌شود که موجب خسارت می‌شود، مشروط بر این که چنین رخداد یا سلسله رخدادها، یا خسارت به وجود آمده، یا از مواد پرتوزا، یا ترکیبی از مواد پرتوزا با مواد سمی<sup>(۱۱)</sup>، انفجاری یا دیگر مواد خطرناک سوخت هسته‌ای یا محصولات پرتوزا یا پسماند، یا از پرتوهای یونساز گسیل شده از چشمه‌ی پرتو در داخل یک تأسیسات هسته‌ای ناشی شده باشد»<sup>[۱۳]</sup>.

به طوری که پیداست، ضرر هسته‌ای مورد نظر قانون‌گذار فرانسه، مفهوم و ویژگی خاصی دارد و منوط به وقوع حادثه‌ی هسته‌ای شده است. این ویژگی موجب می‌شود که ضرر هسته‌ای مفهوم محدودی داشته باشد و شامل ضررهایی که متضمن حادثه‌ی هسته‌ای نیستند، نشود. با لحاظ تعاریف سوخت هسته‌ای<sup>(۱۲)</sup>، محصولات پرتوزا<sup>(۱۳)</sup>، تأسیسات هسته‌ای<sup>(۱۴)</sup> و مواد هسته‌ای که در تعریف حادثه‌ی هسته‌ای به آن‌ها اشاره شده است، محدودیت‌های تعریف حادثه‌ی هسته‌ای و به دنبال آن ضرر هسته‌ای مشخص می‌شود. با تأمل

فعالیت‌های هسته‌ای را بپذیرد؟ آیا این پذیرش می‌تواند با مقتضیات عدالت و نظم عمومی کشور سازگاری داشته باشد؟ به بیان مشخص‌تر آیا نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ضمن وضع قانونی خاص مسئولیت جبران خسارات هسته‌ای را به جای مسببان واقعی، در تمامی موارد بر عهده‌ی گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای قرار دهد که بر حسب مورد ممکن است هیچ مدخلیت و تقصیری در بروز خسارت نداشته باشد؟ واقعیت این است که ماهیت اصل فوق با عدالت سازگاری ندارد و عادلانه نیست که مسئولیت جبران خسارت بر عهده‌ی شخصی گذاشته شود که هیچ تقصیری در ورود خسارت نداشته است. به هنگام پیش‌بینی این اصل در اسناد بین‌المللی و قوانین ملی، برخی از حقوق‌دانان غیرعادلانه بودن ماهیت این اصل را متذکر شدند [۱۱]. با وجود این، لزوم تسهیل و تسریع پرداخت غرامت زیان‌دیدگان و اجتناب اشخاص متعدد درگیر در بروز حوادث هسته‌ای از فراهم آوردن بیمه‌ی اجباری برای مسئولیت خود، قانون‌گذار بیش‌تر کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای را به پذیرش اصل فوق ترغیب کرد. کشور ما تاکنون چنین اصلی را در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای نپذیرفته است با وجود این به نظر نمی‌رسد که پذیرش چنین اصلی از سوی قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران منع و اشکالی داشته باشد. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران با مسئول فرض کردن اشخاصی به غیر از مقصران واقعی ناآشنا نیست و قبل از این تحت شرایطی آن را پذیرفته است. مسئولیت کارفرما نسبت به خسارات ناشی از فعل کارگران، موضوع ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی و مسئولیت متصدی حمل و نقل نسبت به فعل دیگر موضوع ماده‌ی ۳۸۸ قانون تجارت، از جمله مواردی است که در آن قانون‌گذار مسئولیت جبران خسارت را بر عهده‌ی شخصی غیر از مسبب واقعی خسارت گذاشته است [۱۲]. از این رو به نظر نمی‌آید که قبول اصل کانالیزه کردن مسئولیت به گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای در قالب قانونی خاص با کلیت نظام حقوقی جمهوری اسلامی



کند. مطابق قواعد مسئولیت مدنی جمهوری اسلامی ایران، ضرر از هر منشأ و فعالیت هسته‌ای و پرتوی ناشی شده باشد، ضرر هسته‌ای و پرتوی تلقی می‌شود و مستلزم جبران از سوی زیان‌زننده است. در مقایسه با رژیم حقوق خاص جبران خسارات هسته‌ای، ضرر هسته‌ای بر اساس قواعد عمومی مسئولیت، مفهوم گسترده‌ای دارد [۱۶]، و به جبران ضررهای هسته‌ای مشخص شده محدود نمی‌شود. از این‌رو، در قانون جمهوری اسلامی ایران، زیان‌زننده‌ی هسته‌ای، در قیاس با قانون فرانسه، دامنه‌ی مسئولیت بیش‌تری در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای وارده خواهد داشت.

#### ۵. حدود مسئولیت در جبران خسارت

قانون‌گذار فرانسه، با تأثیرپذیری از کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس و اصلاحات آن، در قوانین و مقررات خاص خود راجع به جبران زیان‌های هسته‌ای «نظریه‌ی جبران کافی»<sup>(۱۶)</sup> را اخذ کرد. این در حالی است که مطابق قواعد عمومی راجع، به مسئولیت مدنی اصولاً به جبران به صورت کامل<sup>(۱۷)</sup> توجه می‌شود. بر مبنای نظریه‌ی جبران کافی، مسئولیت گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای در فرانسه، محدود به مبلغ تعیین شده توسط قانون‌گذار است و اگر خسارات ناشی از تأسیسات از میزان مسئولیت مقرر تجاوز کند، گرداننده مسئولیت جبران نخواهد داشت. در این خصوص قانون‌گذار فرانسه مقرر داشته است: حداکثر مسئولیت گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای برای هر حادثه‌ی هسته‌ای مبلغ ۹/۱۴۶/۹۴۱/۰۴۳ یورو است [۱۷]. از این‌رو، در صورتی که حادثه‌ی هسته‌ای رخ دهد و خساراتی از آن ناشی شود، گرداننده، حداکثر تا مبلغ مقرر شده‌ی فوق متعهد به پرداخت غرامت است و اگر خسارات وارد شده فراتر از مبلغ مقرر باشد، گرداننده نسبت به مازاد، تعهدی به پرداخت غرامت نخواهد داشت. تشویق اشخاص به سرمایه‌گذاری در صنعت هسته‌ای و رفع نگرانی آن‌ها، امکان جبران نشدن ضررهای گسترده در صورت وقوع حادثه‌ی هسته‌ای، علت اصلی تعیین مسئولیت محدود برای گرداننده از سوی

در تعاریف ارائه شده از واژه‌های مذکور، معلوم می‌شود که ضرر هسته‌ای الزاماً ضرری نیست که از فعالیت‌های هسته‌ای و پرتوی به طور کلی ناشی شده باشد، بلکه ضرر هسته‌ای مورد نظر کنوانسیون پاریس و قانون‌گذار فرانسه، ضررهایی است که از مواد معینی از فعالیت‌ها و فعل و انفعالات هسته‌ای سرچشمه می‌گیرد. فرضاً، تأسیساتی که خطر حوادث اتمی آن‌ها در حد محدود است از قبیل تأسیسات معدن‌کاری، تولید یا نگهداری اورانیم طبیعی یا غنی نشده و همچنین رادیویزوتوپ‌هایی که برای استفاده‌ی صنعتی، کشاورزی، طبی کاربرد دارند از جمله تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای هستند که بروز ضرر از آن‌ها مشمول تعریف ضرر هسته‌ای نمی‌شود [۱۴]. هم‌چنین ضررهای ناشی از حوادث مربوط به گداخت هسته‌ای<sup>(۱۵)</sup> مشمول ضرر یاد شده نمی‌شود. ضررهای قابل جبران مورد نظر قانون‌گذار فرانسه که مورد تصریح کنوانسیون پاریس قرار گرفته است ضررهای جانی اعم از مرگ یا سایر آسیب‌های جسمانی و ضررهای مادی (تلف مال یا خسارت به آن‌ها) است. ضرر وارد شده به خود تأسیسات هسته‌ای و نیز دیگر تأسیسات هسته‌ای از جمله تأسیسات هسته‌ای در حال ساخت یا تأسیساتی که در محل تأسیسات هسته‌ای واقع شده است و هم‌چنین ضرر وارد شده به اموال در همان سایتی که تأسیسات هسته‌ای واقع شده است و در ارتباط با آن استفاده می‌شود یا قرار است استفاده شود از شمول ضرر مادی خارج است [۱۵].

به طوری که ملاحظه می‌شود، در قانون خاص فرانسه، راجع به جبران خسارت هسته‌ای، ضررهای قابل جبران محدود به ضررهای معینی است و تمامی آن‌ها را شامل نمی‌شود. این در شرایطی است که مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی در جمهوری اسلامی ایران، مفهوم ضرر احتمالی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای مطلق است و شامل جبران تمامی ضررهای وارد شده است. بر اساس این قواعد، بروز واقعه‌ی هسته‌ای الزاماً شرط ضرر هسته‌ای نیست و ضرر می‌تواند بدون بروز چنین واقعه‌ای نیز مفهوم و مصداق پیدا



اصل جبران خسارات کامل عدول کرده و مسئولیت محدود برای زیان‌زننده را پیش‌بینی کرده است. بند مذکور مقرر می‌دارد: «متصدی باربری و کشتی هیچ کدام در مورد فقدان یا خسارت واردشده به کالا، مسئولیتی زاید بر صد لیره استرلینگ برای هر بسته کالا یا واحد آن نخواهد داشت...».

هم‌چنین، «نهاد دیه» نیز از مواردی است که در آن می‌توان مدعی شد که مسئولیت محدود در جبران خسارت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است [۱۹]. با وجود چنین مواردی به نظر نمی‌آید در نظام حقوقی، پذیرش نظریه‌ی مسئولیت محدود در حوزه‌ی جبران خسارات هسته‌ای با مانع و مشکلی مواجه شود.

#### ۶. مسئولیت دولت در جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای

اصل مسئولیت محدود بهره‌بردار با هدف تسهیل سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی صنعت و تشویق اشخاص به مشارکت در این حوزه، مورد پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی و قانون‌گذاران کشورها قرار گرفته است. اما اعمال این اصل، متضمن تالی فاسد بدون جبران ماندن بخشی از زیان‌های هسته‌ای واردشده به زیان‌دیدگان است. با هدف رفع یا تقلیل آثار منفی ناشی از اعمال اصل محدودیت مسئولیت گرداننده، نهاد جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای از سوی دولت‌های محل تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای موجب زیان، مطرح شده است. قانون‌گذار فرانسه از جمله قانون‌گذارانی است که اقدام به پیش‌بینی نهاد جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای به وسیله‌ی دولت کرده است. در این زمینه، قانون ۱۹۶۸ فرانسه مقرر داشته است: «زیان‌های واردشده به زیان‌دیدگان فراتر از مسئولیت گرداننده، توسط دولت و بر طبق مقررات کنوانسیون تکمیلی بروکسل جبران خواهد شد.» [۲۰]. البته مسئولیت دولت در جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای نیز یک مسئولیت محدود است و فراتر از این مسئولیت، در صورتی که هنوز زیانی باشد بدون جبران باقی خواهد ماند. مبنای منطقی مسئولیت دولت در جبران تکمیلی خسارات

قانون‌گذار فرانسه بوده است. مسئولیت گرداننده در موارد حمل و نقل مواد هسته‌ای نیز محدود و حداکثر مبلغ ۲/۲۸۶/۷۳۵/۲۵۹ یورو برای هر حادثه معین شده است [۱۸].

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که در حال حاضر فاقد قانون خاص در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای است، قواعد عمومی مسئولیت مدنی حاکم است و حدی برای مسئولیت زیان‌زننده (که ممکن است، افرادی غیر از گرداننده تأسیسات هسته‌ای نیز باشند) تعیین نشده است. ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به عنوان قاعده‌ی عام، جبران خسارات به صورت مطلق و اعم از مادی و معنوی را پیش‌بینی کرده است که این قاعده در شرایط فعلی در مورد جبران خسارات هسته‌ای نیز قابل اعمال است. ماده‌ی مذکور اشعار داشته است: «هر فردی بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده است لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است.» البته بر اساس قانون مذکور، دادگاه از این اختیار برخوردار شده است که میزان زیان واردشده را با لحاظ عوامل مختلف تعیین کند. در این خصوص، ماده‌ی ۳ قانون مذکور اعلام داشته است: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...».

اگر چه قاعده‌ی کلی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بر اصل جبران کامل خسارات وارد شده استوار است و این اصل در مورد خسارات هسته‌ای واردشده نیز موضوعیت دارد، با وجود این نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با نهاد جبران محدود خسارات یا مسئولیت محدود زیان‌زننده در جبران خسارات ناآشنا نیست. در مواردی آن را پذیرفته است و به نظر نمی‌آید پذیرش آن در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای نیز با نظم عمومی کشور مغایرت داشته باشد. برای مثال بند ۵ ماده‌ی ۵۵ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳/۰۶/۲۹، از جمله مواردی است که در آن قانون‌گذار از



## ۷. بیمه اجباری مسئولیت هسته‌ای

در کنوانسیون‌های بین‌المللی خاص در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای و در قوانین بسیاری از کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای، با هدف تسهیل و تضمین جبران خسارات وارد شده به زیان‌دیدگان، مسئول جبران خسارت وارد شده (بهره‌بردار یا گرداننده‌ی تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای) ملزم به بیمه‌ی مسئولیت خود در قبال خسارات احتمالی وارد شده در نزد شرکت‌های بیمه یا سایر مؤسسات مالی شده‌اند. فرانسه به عنوان یکی از کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای، با تأثیرپذیری از کنوانسیون پاریس، چنین الزام قانونی را برای بهره‌برداران هسته‌ای پیش‌بینی کرده است. در این خصوص، قانون ۱۹۶۸ اصلاحی ۱۹۹۰ این کشور اشعار داشته است «بهره‌بردار هسته‌ای ملزم به تأمین و حفظ بیمه یا دیگر تضمین مالی به میزان مسئولیت خود برای هر حادثه‌ی هسته‌ای است. تضمین مالی باید به تأیید وزیر امور اقتصاد و دارایی برسد» [۲۲]. این قانون همین‌طور مقرر می‌دارد: «متصدی حمل و نقل که مواد هسته‌ای را از طریق خاک فرانسه حمل می‌کند، موظف به تأمین بیمه یا دیگر تضمین مالی به میزان مسئولیت خود برای پوشش خساراتی است که می‌تواند به واسطه‌ی حادثه‌ی هسته‌ای در جریان ترابری وارد شود».

منطق بیمه‌ی اجباری مسئولیت‌ها و فعالیت‌های معین، تسهیل و تسریع جبران خسارات وارد شده به زیان‌دیدگان است. با پیروی از همین منطق، قانون‌گذار فرانسه در قانون مذکور و در مقام اجرای مقررات کنوانسیون پاریس، حمل‌کننده‌ی مواد هسته‌ای، گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای را به بیمه‌ی زیان‌های ناشی از تأسیسات هسته‌ای به میزان مسئولیت مقرر شده برای آن ملزم، و برای متخلف از انجام این تکلیف یک سال حبس و ۱۵ هزار یورو جریمه یا یکی از آن دو را پیش‌بینی کرده است [۲۳]. تعلیق یا لغو این نوع بیمه از سوی بیمه‌گر، منوط به اطلاع کتبی ۲ ماه قبل به وزیر امور اقتصاد و دارایی است.

هسته‌ای این گونه توجیه شده است که چون فعالیت هسته‌ای با اجازه و مجوز دولت انجام می‌شود و انجام این فعالیت‌ها برای توسعه‌ی کشور ضروری است، تحمیل چنین مسئولیتی بر دولت ناعادلانه نخواهد بود [۲۱].

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که فاقد قانون خاصی در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای است، بدیهی است که چنین مسئولیت تکمیلی خاصی برای دولت در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای نمی‌تواند متصور باشد. اما آیا مقررات عام مسئولیت مدنی که در حال حاضر بر جبران خسارات هسته‌ای نیز حکومت دارد، می‌تواند مسئولیتی برای دولت در جبران تکمیلی زیان‌های وارد شده متصور شود؟ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به عنوان قانون عام، چنین مسئولیتی را برای دولت پیش‌بینی نکرده است. اما در برخی قوانین خاص، نشانه‌هایی از پذیرش نهاد مسئولیت دولت در جبران تکمیلی خسارات مشاهده می‌شود. برای مثال، ماده‌ی ۱۰ قانون ۱۳۴۷، اصلاحی ۱۳۸۷ بیمه‌ی اجباری دارندگان وسایل نقلیه که بر اساس آن صندوق خاصی تأسیس شده است، مسئولیت دولت در جبران تکمیلی خسارات را پذیرفته است. ماده‌ی مذکور اشعار داشته است: «برای حمایت از زیان‌دیده‌گان حوادث رانندگی، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضاء بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرارکردن یا شناخته نشدن مسئول حادثه یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه [به استثناء موارد مصرح در ماده‌ی (۷)] باشد، توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت خواهد شد». با این حال، هر چند که در شرایط فعلی، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مبنای قانونی مشخصی برای جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای احتمالی به وسیله‌ی دولت وجود ندارد، با وجود این نظر، به سابقه‌ی آن در قانون سال ۱۳۴۷، پذیرش آن در قوانین آتی خاص راجع به جبران خسارات هسته‌ای نمی‌تواند با مانع و اشکالی مواجه باشد.





نیست و از این رو لزوم رفع چنین خلأ قانونی از سوی قانون‌گذار برای فراهم‌سازی بسترهای قانونی استفاده‌ی ایمن از کاربردهای صلح‌آمیز علوم و فنون هسته‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

#### ۸. مرور زمان دعاوی جبران خسارت

زیان‌های ناشی از حوادث و فعالیت‌های هسته‌ای و پرتوی ممکن است پس از گذشت مدت زمان نسبتاً طولانی معلوم شوند که این واقعیت، اعمال قاعده‌ی مرور زمان در طرح دعاوی مربوط به جبران چنین زیان‌هایی را با محدودیت مواجه می‌سازد [۲۴]، با وجود این، مشکلات ناشی از اثبات دعاوی خسارات هسته‌ای پس از گذشت مدت زمان زیادی موجب شده است که کنوانسیون‌های بین‌المللی ذریبط و قوانین بیش‌تر کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای، مرور زمان در اقامه چنین دعاوی را بپذیرند. فرانسه از جمله کشورهایی است که مرور زمان در دعاوی جبران خسارت هسته‌ای را در قوانین خود پذیرفته است. مطابق قانون ۱۹۶۸ (اصلاحی ۱۹۹۰) دعاوی مربوط به جبران خسارت هسته‌ای باید ظرف سه سال از زمان آگاهی شخص از ورود خسارت، با یا آگاهی که شخص منطقاً باید از خسارت و مسئولیت بهره‌بردار داشته باشد، اقامه شود مشروط بر این‌که در هر حال هیچ دعوی پس از گذشت ۱۰ سال از زمان وقوع حادثه، قابل اقامه نخواهد بود. پس از این مدت، در صورتی که حادثه در قلمرو جمهوری فرانسه رخ دهد و بر اساس کنوانسیون پاریس در چارچوب صلاحیت قضایی فرانسه قرار گیرد و زیان‌های ناشی از آن پس از مدت ۱۰ سال بروز کنند و قابل جبران نباشد، دولت چنین خساراتی را جبران خواهد کرد. با وجود این، در این مورد نیز کل مبلغ غرامت پرداخت شده توسط دولت نمی‌تواند از حداکثر مسئولیت قانونی بهره‌بردار تجاوز کند. دعاوی علیه دولت نیز مشمول قاعده‌ی مرور زمان می‌شود و در هر حال هیچ دعوی علیه دولت بعد از پنج سال از زمان مرور زمان ۱۰ ساله قابل اقامه نخواهد شد. نتیجه این‌که قانون‌گذار فرانسه به زیان دیده،

اما در نظام حقوقی فعلی جمهوری اسلامی ایران نه تنها چنین الزامی برای بهره‌بردار یا گرداننده‌ی تأسیسات یا فعالیت هسته‌ای پیش‌بینی نشده است، بلکه در اغلب موارد نیز بیمه‌ی مسئولیت در قبال خسارات ناشی از چنین فعالیت‌هایی یا از شمول قوانین عمومی و قراردادهای بیمه مستثنی شده، یا منوط به پرداخت حق بیمه‌ی اضافی و موافقت بیمه‌گر شده است.

در این زمینه می‌توان به قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱ (ماده‌ی ۷ بند ۳)، اشاره کرد که استثناء مذکور را این طور مقرر داشته است: «موارد زیر از شمول بیمه‌ی موضوع این قانون خارج است. ۳- خسارت مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو». هم‌چنین بند ۴ ماده‌ی ۳۱ آیین‌نامه‌ی شماره‌ی ۲۱ راجع به شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ی آتش‌سوزی صاعقه، انفجار، مصوب ۱۳۶۶/۸/۲۷ شورای عالی بیمه‌ی مرکزی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: «تحقق خطرات موضوع این بیمه‌نامه، چنانچه ناشی از هر یک از حوادث و وقایع ذیل باشد، تحت پوشش این بیمه‌نامه، نخواهد بود، مگر آن که صراحتاً خلاف آن شرط شده باشد: ۴...- فعل و انفعالات هسته‌ای».

به همین نحو آیین‌نامه‌ی شماره‌ی ۳۶ راجع به شرایط عمومی بیمه‌ی باربری مصوب ۱۳۷۵/۵/۲۹ شورای عالی بیمه‌ی مرکزی جمهوری اسلامی ایران (ماده‌ی ۲۳ بند ۱) و آیین‌نامه‌ی شماره‌ی ۲۶/۱ راجع به شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ی گروهی هزینه‌های بیمارستانی مصوب ۱۳۷۵/۸/۲۸ شورای عالی بیمه‌ی مرکزی جمهوری اسلامی ایران (ماده‌ی ۶ بند ۸) خسارات ناشی از فعل و انفعالات هسته‌ای را از شمول مقررات خود مستثنی کرده‌اند. هر چند که خروج خسارات هسته‌ای از شمول مقررات عمومی بیمه به دلیل ماهیت خاص آن‌ها می‌تواند قابل توجیه باشد، اما در عین حال نبود قوانین و مقررات خاص دیگری که پوشش چنین خساراتی را توسط بیمه مورد توجه و پیش‌بینی قرار دهد نیز با واقعیات سازگار



حداکثر ۱۵ سال از زمان وقوع حادثه‌ی هسته‌ای، حق داده است که دعوی خود در دادگاه صالحه را اقامه کند.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مرور زمان دعاوی خسارت هسته‌ای، تابع قواعد و مقررات قانون آیین دادرسی در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ است. این قانون، برخلاف قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ مرور زمان در دعاوی مدنی را به رسمیت نشناخته است. قبل از این نیز شورای نگهبان قانون اساسی در پاسخ به سؤال مورخه‌ی ۱۳۶۱/۱۰/۲۷ شورای عالی قضایی، طی نظریه‌ی شماره ۷۲۵۷ مورخه ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ اعلام کرده بود که مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و بحث و بررسی شد و به نظر اکثریت فقهای شورا، مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (۱۰ سال - ۲۰ سال - ۳ سال - ۱ سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد. نظر به مقررات قانون و نظریه‌ی مذکور، به نظر می‌رسد که طرح دعاوی جبران خسارت هسته‌ای در وضعیت فعلی مشمول مرور زمان واقع نشود با وجود این، این واقعیت، مانع از آن نیست که قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در قوانین آتی خاص راجع به جبران خسارت هسته‌ای نتواند مرور زمان را در دعاوی مربوط به چنین خساراتی پیش‌بینی کند، زیرا در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با وجود نظریه شورای نگهبان هنوز در دعاوی حقوقی و تجاری به صورت موردی قاعده‌ی مرور زمان مورد پذیرش واقع شده است. نظریه‌ی شماره‌ی ۵۴۰/۷ مورخ ۱۳۸۶/۲/۸ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه نیز با بیان این که «در مورد دعاوی حقوقی با وضع قوانین جدید از جمله قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و نیز قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات ۱۳۸۱ که در آن مرور زمان برای دعاوی پیش‌بینی نشده است و هم‌چنین توجه به نظریه‌ی شماره‌ی ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای محترم نگهبان، موضوع مرور زمان دعاوی حقوقی منتفی شده است.

اما در مواردی که طبق قوانین خاص طرح برخی از دعاوی مقید به مهلت معینی است (از جمله در بعضی از دعاوی مربوط به قانون تجارت و یا قانون بیمه) این قوانین به قوت خود باقی است.. «. امکان حقوقی پیش‌بینی چنین مرور زمانی را تأیید می‌کند.

## ۹. دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی جبران خسارات هسته‌ای

کنوانسیون پاریس، دادگاه محل وقوع حادثه‌ی هسته‌ای را مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوی جبران خسارت هسته‌ای پیش‌بینی کرده است [۲۵]. با وجود این، قانون‌گذار فرانسه در خصوص دعاوی جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای، دادگاه پاریس را به عنوان تنها مرجع صالح برای رسیدگی به این دعاوی تعیین کرده است. بر اساس قانون فرانسه، محاکم کیفری تحت هیچ عنوان نمی‌توانند در چنین دعاوی مداخله کنند. اما سؤال این است که چرا قانون‌گذار فرانسه، از قواعد کنوانسیون پاریس مبنی بر صلاحیت دادگاه محل وقوع حادثه‌ی هسته‌ای عدول کرده، و برای رسیدگی به دعاوی خسارات هسته‌ای ناشی از حوادث هسته‌ای در قلمرو فرانسه دادگاه پاریس را صالح اعلام کرده است؟

هدف قانون‌گذار فرانسه از تعیین محکمه واحد ملی برای رسیدگی به تمام دعاوی خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای که در قلمرو آن رخ می‌دهد به احتمال آثار ملی حادثه‌ی هسته‌ای و خسارات ناشی از آن بر می‌گردد که البته می‌تواند قواعد صلاحیت محلی و دادگاه‌ها و آیین دادرسی مربوطه‌ی آن کشور را تحت تأثیر قرار دهد. فراهم آوردن دادگاهی با تخصص و تجارب و قضات خاص برای رسیدگی دقیق به این چنین دعاوی، دلیل دیگری بود که قانون‌گذار فرانسه را به تعیین دادگاهی واحد برای رسیدگی به تمامی دعاوی خسارت هسته‌ای در قلمرو کشور ترغیب کرد، زیرا وجود یک دادگاه ملی واحد صالح برای دعاوی خسارت هسته‌ای بهتر و بیش‌تر می‌تواند اجرای عدالت در این حوزه را تأمین کند و نهایتاً اعمال نظارت بر دعاوی جبران خسارت و جلوگیری از



اسلامی ایران در صورت تصمیم به وضع قانون خاص حاکم بر جبران خسارات هسته‌ای - که وضع آن در آینده لازم، مفید و اجتناب‌ناپذیر باشد - لازم است با لحاظ تجربیات کشورهای دیگر، مرجع مشخصی را برای رسیدگی به این نوع دعاوی تعیین کند.

#### ۱۰. نتیجه‌گیری

ماهیت خاص خسارات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای، قانون‌گذاران بسیاری از کشورهای دارنده‌ی فعالیت هسته‌ای از جمله فرانسه را بر آن داشته است که قواعد عمومی مسئولیت را کنار گذاشته و قوانین و مقررات حقوقی خاصی را برای جبران چنین خساراتی وضع یا تصویب کند. با این‌که جمهوری اسلامی ایران، کشوری با فعالیت هسته‌ای محسوب شده و قدمت فعالیت‌های آن به چهار دهه می‌رسد، اما تاکنون نتوانسته است قانونی خاص برای جبران خسارات هسته‌ای احتمالی تصویب کند و خود را با ضوابط شناخته شده‌ی بین‌المللی سازگاری دهد. در وضعیت فعلی جمهوری اسلامی ایران، قوانین و قواعد عمومی مسئولیت مدنی بر جبران خسارت هسته‌ای حاکم است که این قواعد و قوانین نمی‌تواند از کارایی لازم در جبران چنین خساراتی برخوردار باشد. امروزه، وجود قوانین خاص در این حوزه، لازمه و پیش‌شرط همکاری‌های هسته‌ای بین دولت‌ها تلقی می‌شود و کشورهایی که فاقد قوانین خاص در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای باشند در همکاری‌های هسته‌ای خود با کشورهای دیگر با اشکالاتی مواجه می‌شوند. نظر به این واقعیت و با توجه به افق فعالیت‌های هسته‌ای در کشور، لازم است که قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران با بررسی قوانین خاص کشورها در زمینه‌ی جبران خسارات هسته‌ای نظیر فرانسه، قوانین مناسبی را برای جبران چنین خساراتی در کشور تدوین و تصویب کند.

رویه‌های قضایی مختلف و متضاد را باید سومین دلیل ترغیب قانون‌گذار فرانسه به تعیین دادگاه پاریس به عنوان محکمه‌ی صالح برای رسیدگی انحصاری به تمام دعاوی خسارت هسته‌ای تلقی کرد [۲۶]. اما موضوع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران متفاوت است. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران فاقد آیین دادرسی خاص (دادگاه و قواعد رسیدگی) برای رسیدگی به دعاوی خسارات هسته‌ای است و اصولاً نظام آن مبتنی بر صلاحیت عام محاکم عمومی در رسیدگی به تمام دعاوی از جمله دعاوی جبران خسارت هسته‌ای است. بر اساس نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، در صورت بروز حوادث و ورود زیان‌های هسته‌ای، دعاوی مربوطه مطابق مقررات قانون آیین دادرسی در امور مدنی (مواد ۲۵-۱۱) رسیدگی می‌شود. در این زمینه ماده‌ی ۱۱ آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۷۹، اشعار داشته است دعوی باید در دادگاهی اقامه شود که خواننده در حوزه‌ی قضایی آن اقامتگاه دارد. پس اصل اولیه در این خصوص صلاحیت دادگاه محل اقامتگاه خواننده است. از این‌رو، زیان‌دیده‌ی هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران برای اقامه‌ی دعوی خسارت باید به دادگاه محل اقامتگاه زیان‌زننده (که خواننده‌ی دعوی است) مراجعه کند. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تمام دادگاه‌های دادگستری می‌توانند بر حسب مورد برای رسیدگی به دعاوی جبران خسارات هسته‌ای صلاحیت پیدا کنند.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، بر خلاف فرانسه، ممنوعیت دادگاه جزایی از مداخله منتفی است و در مواردی که موضوع، جنبه‌ی جزایی داشته باشد، دادگاه‌های عمومی جزایی می‌توانند مداخله کنند. مطابق قانون آیین دادرسی مدنی جمهوری اسلامی ایران به غیر از قاعده‌ی صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده، دادگاه‌های محل وقوع مال غیرمنقول (ماده‌ی ۱۵) و محل انعقاد عقد (ماده‌ی ۱۳) نیز صلاحیت رسیدگی پیدا می‌کنند. وجود چنین تعدد صلاحیت قضایی با طبع رسیدگی به دعاوی جبران خسارات هسته‌ای سازگار نیست، و روند رسیدگی به این نوع دعاوی را با ابهام و مشکل مواجه می‌سازد. از این‌رو قانون‌گذار جمهوری



## پی‌نوشت‌ها

### 1. Causality

۲. کنوانسیون پاریس در خصوص مسئولیت شخص ثالث ناشی از انرژی هسته‌ای در سال ۱۹۶۰ منعقد و در سال‌های ۱۹۶۶، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ اصلاح و بازنگری شد. این کنوانسیون قلمرو محدودی دارد و در چارچوب کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه‌ی (OECD) منعقد شده است.

### 3. Operator

### 4. Strict

۵. کنوانسیون وین ۱۹۶۳ راجع به مسئولیت مدنی برای خسارات هسته‌ای قلمرو جهانی دارد و تمام کشورها می‌توانند به عضویت آن درآیند. این کنوانسیون در سال ۱۹۹۷ طی پروتکلی اصلاح شد.

۶. کنوانسیون وین ۱۹۹۷ در خصوص جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای (Supplementary Compensation) است و تاکنون (نوامبر ۲۰۱۲) لازم‌الاجرا نشده است.

### 7. Operator

۸. ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی، (۱۳۳۹).

### 9. Nuclear Damage

### 10. Nuclear Incident

### 11. Toxic

### 12. Nuclear Fuel

### 13. Radioactive Products

### 14. Nuclear Installation

### 15. Nuclear Fusion

### 16. Adequate

### 17. Full

## مراجع

۱. ص. رضایی‌پیش‌رباط، مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل هسته‌ای، عصر اندیشه، تهران، ص ۸۷، (۱۳۹۱).

2. Nuclear Legislation in OECD and NEA Countries: France in [www.OECD-nea.org](http://www.OECD-nea.org), p. 37 (2011).

3. Stoiber carlton etal, Handbook on Nuclear Law, IAEA, Vienna, p. 107 (2003).

۴. ر. اسکینی، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، منتشر شده در کتاب مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، انتشارات ندا (وابسته به انتشارات امیرکبیر)، ص. ۲۴۰ (۱۳۷۱).

5. Nuclear Legislation in OECD and NEA Countries: France, in [www.OECD-nea.org](http://www.OECD-nea.org), p. 36 (2011).

6. Paris Convention, Art 9, (1960).

7. Act N0 65-956 on the third party liability of operators of nuclear ships, Article 7 (12 November 1965).

۸. س.ح. صفایی، ح.ا. رحیمی، مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، انتشارات سمت، تهران، ص. ۸۴ (۱۳۸۹).



9. Nuclear Legislation in OECD and NEA Countries: France, in [www.OECD-nea.org](http://www.OECD-nea.org), p. 37 (2011).

10. Stoiber carlton etal, Handbook on Nuclear Law, IAEA, Vienna, p. 108 (2003).

11. Stoiber carlton etal, Handbook on Nuclear Law, IAEA, Vienna, p. 112 (2003).

۱۲. س.ح. صفایی، ح.ا. رحیمی، مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، انتشارات سمت، تهران، ص. ۲۶۴ و ۳۰۱ (۱۳۸۹).

13. Convention on Third party liability in the field of Nuclear Energy, Article,1(i), (1960).

۱۴. ر. اسکینی، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، منتشر شده در کتاب مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، انتشارات ندا (وابسته به انتشارات امیرکبیر) ۲۴۶ (۱۳۷۱).

15. Convention on Third party liability in the field of Nuclear Energy, Art 3, (1960).

۱۶. س.ح. صفایی، ح.ا. رحیمی، مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، انتشارات سمت، تهران، ص ۱۰۱، (۱۳۸۹).

17. Loi no.68-943 du 30 octobre 1968 relative a la responsibility civil dons le domain de lemergie nucleaire, 1968 as amended (1990) Art 4.

18. Loi no.68-943 du 30 octobre 1968 relative a la responsibility civil dons le domain de lemergie nucleaire, 1968 as amended (1990), Art 4.

۱۹. س.ح. صفایی، ح.ا. رحیمی، مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، انتشارات سمت، تهران، ص. ۳۲۹، (۱۳۸۹).

20. Loi no.68-943 du 30 octobre 1968 relative a la responsibility civil dons le domain de lemergie nucleaire, 1968 as amended (1990), Art 5.

۲۱. ر. اسکینی، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، منتشر شده در کتاب مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، انتشارات ندا (وابسته به انتشارات امیرکبیر)، ص. ۲۶۱ (۱۳۷۱).

22. Loi no.68-943 du 30 octobre 1968 relative a la responsibility civil dons le domain de lemergie nucleaire, 1968 as amended (1990), Art 6.

23. Loi no.68-973 du 30 octobre 1968 relative a la responsibility civil dons le domain de lemergie nucleaire, 1968 as amended (1990), Art 7.

۲۴. ر. اسکینی، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، منتشر شده در کتاب مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، انتشارات ندا (وابسته به انتشارات امیرکبیر)، ص. ۲۵۸ (۱۳۷۱).

25. The paris Convention on Third party liability in the field of Nuclear Energy, article, 13 (1960).

26. Nuclear Legislation in OECD and NEA Countries: France, in [www.OECD-nea.org](http://www.OECD-nea.org), (2011).